

# فریبرز کاردار را آزاد کنید



گردآوری و تنظیم: فروردین ۱۳۹۵

فریبرز کاردار

زادروز: ۲۶ دی ۱۳۶۸

زادگاه: تهران

فعالیت: شاعر و فعال فیس بوکی

تحصیلات: فوق دیپلم حسابداری دانشگاه قزوین و دانشجوی ترم آخر

لیسانس حسابداری دانشگاه دماوند

بازداشت: ۱۰ مهر ۱۳۹۲

اتهامات: توهین به مقدسات؛ اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی؛ تبلیغ علیه نظام

محکومیت: سه سال و نیم

زندان: اوین

\*\*\*\*\*

## بازداشت :

فریبرز کاردار روز ۱۰ مهر سال ۱۳۹۲ همراه با ۴ فعال فیس بوکی آقایان امیر گلستانی، مسعود قاسم خانی، سید مسعود سید طالبی و خانم رویا ایرانی توسط اطلاعات سپاه بازداشت شد. علت دستگیری وی اشعاری بود که در گروههای مجازی منتشر میکرد.

اشعار فریبرز عموماً نقد مسائل اجتماعی، فرهنگی و همچنین سوژه های تلخ و به روز جامعه ایران بود. ماموران لباس شخصی هنگام بازداشت، منزل وی را مورد بازرسی قرار داده و وسایل شخصی اش از قبیل کامپیوتر، گوشی موبایل، دست نوشته ها و چند جلد کتاب و مجله های قدیمی را ضبط کردند.

فریبرز به همراه دیگر بازداشت شدگان به سلولهای زندان اوین و بازداشتگاه بند ۲ الف منتقل شده و هر روز مورد بازجویی قرار میگرفت.

بازجویان اطلاعات سپاه در مدت بازجویی با تحت فشار قرار دادن این ۵ فعال فیس بوکی آنها را وادار به قبول کردن اعترافات دروغین کردند.

فریبرز کاردار به همراه دیگر فعالان فیس بوکی در اینمدت تحت فشارهای شدید روحی و روانی قرار گرفت و حین بازجویی، ماموران با استفاده از ابزار زور و تهدید و شکنجه های روحی از او اعترافات

اجباری گرفته و در پرونده اش ثبت کردند. بازجویان زیر فشار و تهدید یک ویدئو از وی ضبط کرده و سپس او را به بند ۳۵۰ اوین منتقل کردند.

فریبرز کاردار در دادگاه بدوی که روز ۳۰ فروردین ۹۳ به ریاست قاضی مقیسه برگزار شد؛ به اتهام توهین به مقدسات، اجتماع و تباہی به قصد اقدام علیه امنیت ملی، و تبلیغ علیه نظام، به ۱۸ سال و ۹۱ روز زندان محکوم شد.

این حکم در دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی پورعرب در تاریخ ۶ مهر ماه ۹۳ به ۷ سال و در تاریخ ۲۳ دیماه ۹۴ مورد عفو قرار گرفته و به ۳ سال و نیم کاهش یافت.

فریبرز کاردار در تاریخ ۲۶ فروردین ۹۴ از بند ۳۵۰ به بند ۸ معروف به تبعیدگاه اوین و پس از ۱۲ روز به بند عمومی ۷ اوین منتقل شد.

این زندانی هم اکنون در سی و یکمین ماه دستگیری خود بر خلاف اصل تفکیک جرائم در بند زندانیان مالی زندانی است و تنها زندانی سیاسی این بند می باشد. فریبرز هم اکنون در وضعیت جسمی و روحی خوبی قرار ندارد و به گفته نزدیکانش بسیار لاغر و ضعیف شده است.

### سروده های فریبرز کاردار :

سروده های منتشر شده فریبرز کاردار که بنام چرک نویس های فریبرز در محیطهای مجازی منتشر و عامل دستگیری وی شده است، را با هم میخوانیم:



راستی ، سلام همسایه !  
سلامی به سردیِ آش های نذریِ زن های بیوه ی محله مان !  
نپرس اهل کجایی ؟  
چون فقط می دانم آن طرف انقلاب به دنیا آمده ام !

در قمارِ زندگی سال های جوانی ام را به پیری باختم !  
مادربزرگم همیشه میگفت :

بندِ نافم را هم مجانی بریدند !  
بگذریم که آن زمان هیچ دکتری تشخیص نداد ،  
که روزی این تپشِ قلب زمین گیرم می کند !  
اهلِ سازش نیستم ؛

نه با نظمِ خدا ، نه با رسمِ این جماعت...  
هر رنگ سبزی مرا یادِ لباس های لجنیِ بازپرسان می اندازد ،  
و هر رنگِ بنفشی یادِ کبودی های تنم...

انگار زاده شده ایم که فریب بخوریم !  
تو را به تمام سیگارهای دود شده ی این شهر ،  
به همه ی چشم های بیدارِ شب ،  
تو را به تمام عرق های شرم قسم می دهم ،  
بگو بر روی سنگِ قبرم بنویسند :  
افتخارش رنگ قرمزِ خونین بود و سخنش راه آزادی...

### فریبرز در شعر دیگری می نویسد:

تمام دوراهی های شهر را بو کشیدم  
تا خود را به سایه های افسونگر شب  
برسانم !

آنجا که می توان ؛

هفته به هفته

روز به روز

ساعت به ساعت

خود را حلق آویز کرد

بی آنکه کسی بپرسد چرا ؟

می توان به اعتبار و صلابتِ هر شعر

توهین کرد

بی آنکه پوزخندی ، داده باشد خونبهای

راهِ ما

می توان گریخت

می توان پنهان کرد شکافِ روز را

می توان مدفون شد در اوجِ صدا ؛

پس خودت را پیدا کن

که صحنه را آراستم

گر کسی پرسید اهل کدام آبادی

هستی ؟

بگو زاده ام ؛

زاده ی روز ندا



زندان  
فریبرز  
اعدام